



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 16 rd. Year/NO: 1 Spring 2023

مبانی فقهی و قانونی مسئولیت دولت در حق بر رفاه شهروندان

عظاله پورحسین^۱ محمد مظهري^۲ ابوالفضل رنجبري^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

چکیده

تامین اجتماعی و رفاه شهروندان و مسئولیت دولتها در برآوردن آن، از مهمترین نیازهای بشری و از عوامل اصلی در حفظ و استمرار زندگی در طول حیات بشر بوده است. از دیدگاه توسعه ملی، عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، تأمین رفاه شهروندان، کمیت و کیفیت الگوی غذای مصرفی و سلامت و بهداشت افراد جامعه، محور اصلی و تعیین کننده در بستر حرکت انسان محوری است و مسائلی همچون عدم تامین رفاه و سوء تغذیه، نیروی بازدارنده مؤثر بر فرایند توسعه ملی محسوب می شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است که از طریق روش کتابخانه ای گرد آوری شده است. هدف تحقیق بررسی مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندان می باشد، یافته های تحقیق حاکی از آن است که برابر احکام اسلام از قبیل آیات، احادیث و روایات و قوانین داخلی همانند قانون اساسی و عادی و اسنادی همچون سند چشم انداز به موضوع تامین رفاه اجتماعی توسط زمامداران پرداخته و آن را از وظایف مهم دولت می داند. اگر دولت به وظایف خود در قبال شهروندان عمل نکرده و منتهی به ورد خسارت به آنها گردد ملزم به جبران خسارت بوده یا به اصطلاح مسئولیت مدنی دارد، برای احراز مسئولیت مدنی وجود سه رکن ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه بین آنها، ضروری می باشد. لذا شهروندی که مدعی ورود خسارت در نتیجه تخطی واحدهای دولتی است باید در دیوان عدالت اداری خسارت وارده را اثبات کرده و سپس از طریق محاکم حقوقی نسبت مطالبه آن اقدام نماید.

کلمات کلیدی: مسئولیت، دولت، رفاه شهروندان، تامین اجتماعی.

pourhoseinata@yahoo.com

mazharipnu@yahoo.com

a.ranjbari_1348@yahoo.com

^۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول).

^۳. استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین مکتب الهی اهمیت ویژه ای برای انسان قائل شده است. به گونه ای که در قرآن خداوند انسان را نه تنها عنوان یک مخلوق همانند سایر مخلوقات، بلکه به عنوان خلیفه و جانشین خودتعیین و معرفی نموده است. بنابراین انسان از منظر قرآن نه تنها دارای حقوقی است، بلکه امتیازات وی، او را تا مرز خلیفه الهی پیش برده است. از آنجا که انسان موجود عقلانی است، عقل حکم می کند که اشرف مخلوقات دارای حقوق فردی و عمومی باشد و حقوق شهروندی همان رفتار مدنی، ادب و ملاحظه و نوع دوستی و وظیفه شناسی است. از منظر اسلام حق کرامت انسانی پایه اصلی حقوق شهروندی است.

نبی اکرم (ص) در این باره می فرماید: هر حاکمی که مسؤول امور مسلمانان باشد؛ اما بی شائبه در جهت رفاه و بهروزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد. (صحیح مسلم، ج ۱۰، ۱۳۲۹، ۱۰ ق، ص ۱۲۶)

همچنین اسلام حق آزادی، حق حیات، برابری، عدالت، آزادی عقیده و نفی اکراه در دین را از جمله حقوق شهروندان می داند. (خزایی، مرادخانی، ۱۳۹۴، صص ۸۰-۷۸)

رفاه به معنی خوب شدن و در مفهوم وسیع آن یعنی مناسب بودن سطح معیشت مردم در تمام ابعاد آن می باشد. از دیدگاه اکثریت صاحب نظران، رفاه اجتماعی با بهره مندی حداکثری از خیر و خوشبختی برای آحاد مردم سنجیده می شود. بر این اساس اگر جامعه در صدد تأمین رفاه اجتماعی است، و دولت وظیفه اصلی آن را بر عهده داشته باشد، بایستی نیازهای افراد، خانواده ها و گروه های مختلف جوامع را در ابعاد مختلف آن رفع کند. بر مبنای برآیند و نتیجه پژوهش های صورت گرفته نیازهای عمده انسانها شامل: نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی، اجتماعی، نیاز به احترام، خودشکوفایی، معرفت پذیری و زیباشناختی است. بر همین مبنای برای افزایش رضایت مندی افراد باید ابتدا نیازهای اولیه آنها مانند خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای فیزیولوژیکی تأمین شود و در مراحل بعد، مسئله امنیت شغلی، قضایی، آموزشی، بهداشتی، معیشتی و نیازهای ارتباطی درکار و نیاز به احترام مطرح می شود که در نهایت بعد از برآورده شدن این نیازها موضوع خودشکوفایی که همان کمال معرفت و کرامت انسانی هست باید محقق شود.

مسئولیت به معنی پاسخگو بودن هست و پاسخگویی نتیجه تعهد می باشد تعهدات دولتها در بر آوردن نیازهای مردم از جمله مسئولیتهای آنها می باشد مبنای این مسئولیت برگرفته از آیات، روایات، احکام فقه و قوانین موضوعه از جمله قانون اساسی و قوانین ۵ ساله توسعه و قوانین عادی از جمله قانون مسئولیت مدنی و ... می باشد. زیربنای بسیاری از برنامه ریزی ها و تصویب قوانین و مصوبات دولتی منعکس کننده برداشت دولت مردان از اصل تعهدات خود بوده و باید بدانیم مسئولیت در حوزه رفاه شهروندان بر عهده چه کسی می باشد؟

۱- مبانی مسئولیت

۱-۱ توسعه رفاه

مستند به آیات ۳۲ الی ۳۴ سوره مبارکه ابراهیم که می فرماید: خداوند، همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی آورد، و کشتیها را مسخر شما کرد، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند، و نهرا را مسخر شما ساخت، و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند، به تسخیر شما درآورد، و شب و روز را مسخر شما کرد و از هر چیزی که از او خواستید [نیازمند بودید] به شما داد و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد، خداوند نعمت های فراوان و مناسب نیاز انسانها را آفرید و آنها را مسخر انسان کرد تا بتواند زندگی مناسب شأن و کرامت خود به پا دارد. بر این اساس، یکی از اهداف دولت اسلامی در جایگاه خلیفه الهی روی زمین، تحقق بخشیدن غایات الهی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی و قرآنی است.

حضرت امیر نیز در نامه به مالک اشتر، گسترش رفاه و آبادانی را هدف اول حکومت اسلامی شمرده، بی‌توجهی به آن را عامل نابودی حکومت می‌داند: و باید توجه تو به آبادانی سرزمین بیش از تحصیل و جمع‌آوری خراج باشد و باید توجه داشته باشی که جمع‌آوری خراج، جز با آبادانی میسر نمی‌شود، و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند؛ مردم را از بین ببرد و حکومتش جز اندکی دوام نیابد.

ابن خلدون از اندیشمندان بزرگ اسلامی در تحلیل اثباتی این واقعیت می‌گوید:

اگر حاکم، همراه و مهربان باشد، انتظارات مردم گسترش می‌یابد و برای آبادانی و فراهم ساختن اسباب آن، فعال‌تر می‌شوند؛ در حالی که تجاوز به اموال مردم، آنان را از به دست آوردن و بارور کردن ثروت نومید می‌سازد؛ چه، می‌بینند در چنین وضعی، سرانجام، هستی‌شان را به غارت می‌برند و آن چه را به دست می‌آورند، از ایشان می‌ربایند و هر گاه مردم از به دست آوردن و تولید ثروت نومید شوند، از کوشش در راه آن دست برمی‌دارند ... و اگر مردم در راه معاش خود نکوشند و دست از پیشه‌ها بردارند، بازارهای اجتماع و آبادانی بی‌رونتق، و احوال متزلزل می‌شود و مردم در جست‌وجوی درآمد از آن سرزمین رخت برمی‌بندند و در نواحی دیگر که بیرون از قلمرو فرمانروایی آن ناحیه است، پراکنده می‌شوند و در نتیجه، جمعیت آن ناحیه کم، و شهرهای آن از سکنه خالی، و شهرهای آن ویران می‌شود و پریشانی آن دیار، به دولت و سلطان هم سرایت می‌کند؛ (ابن خلدون، بیتا، ص ۲۵۶)

بنابراین، برای استقرار و استمرار دولت اسلامی لازم است عمران و آبادانی و گسترش رفاه مادی مردم یکی از اهداف مهم دولت باشد. رسیدن به امنیت و عدالت و فراوانی، جزو اهداف مطلوب و مورد توجه نظام اقتصادی اسلام است و این، بدون نظر و مقایسه جامعه اسلامی با دیگر جوامع است. وقتی مسأله ارتباط جامعه اسلامی با اقوام و ملل دیگر مطرح می‌شود، از آن جا که این جامعه حامل فرهنگ‌هایی بخش انسان‌ها و گسترش دهنده عدل و قسط در سراسر جهان است، باید وضعیت و قدرت اقتصادی آن خیلی بیش‌تر از تأمین رفاه عمومی مورد نظر باشد تا اولاً جامعه اسلامی در پیمودن مسیر سعادت و کمال، هیچ‌گونه وابستگی به کشورهای استعماری و بیگانگان نداشته باشد؛ ثانیاً دشمنان اسلام چشم طمع در سرزمین‌های اسلامی نداشته باشند، و ثالثاً مسلمانان با کمک به ملل محروم و مستضعف بتوانند فرهنگ اسلام را در سراسر گیتی بگسترانند.

در تعریف عدالت اقتصادی، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. تعریفی که از جهت استناد، مدرک قابل دفاعی داشته باشد و از جهت عمل بتوان برای آن الگویی عملیاتی طراحی کرد، تعریف عدالت اقتصادی به رفع فقر و محرومیت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت‌ها و درآمدها است. (صدر، ۱۳۷۵، صص ۶۶۱ - ۶۶۷؛ حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۲۱) به این بیان که نظام اقتصادی اسلام، تحقق عدالت در عرصه اقتصاد را از دو طریق دنبال می‌کند: از یک سو به همه افراد جامعه حق می‌دهد که زندگی متعارف و آبرومندانه انسانی داشته باشند و از سوی دیگر، با اتخاذ احکام و روش‌هایی در پی متوازن کردن ثروت‌ها و درآمدها است و در نقطه مقابل هر نوع فقر و محرومیت و به وجود آمدن فاصله طبقاتی را نتیجه عدم تحقق عدالت می‌داند.

امام صادق علیه‌السلام: ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم. (کافی، بیتا، ص ۵۶۸) اگر میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند.

دولت اسلامی مسؤولیت دارد با کنترل و نظارت رفتارهای اقتصادی مردم و از طریق اجرای احکام اقتصادی اسلام در عرصه حقوق مالکیت، آزادی‌های فردی و اجتماعی و مقررات توزیع قبل و پس از تولید و توزیع مجدد درآمدها، زمینه رفع فقر و توازن اقتصادی را فراهم سازد.

۲-۱. تأمین اجتماعی

یکی از مسؤولیت‌هایی که اسلام بر عهده تمام مسلمانان به ویژه دولت گذاشته، تأمین نیازهای ضروری افراد است که به علل گوناگون یا درآمدی ندارند یا درآمدها برای تأمین زندگی کافی نیست. امام علی علیه‌السلام در نامه خود به مالک اشتر پس از

سفارش اصناف چهارگانه کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان و کارمندان که نیروهای فعال و مولد جامعه‌اند، متوجه طبقه دیگری متشکل از یتیمان، مسکینان، ناتوانان و معلولان شده، می‌فرماید: سپس خدا را در نظر بگیر، در مورد طبقه پایین مردم؛ آنان که راه چاره‌ای ندارند، از درماندگان، نیازمندان، بیماران و زمینگیران، به درستی که در این طبقه، افرادی قانع وجود دارد که نیازشان را به روی خود نمی‌آورند. برای خدا، حقی را که خداوند نگهبانی آن را برای آنان به تو سپرده، حفظ کن و بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

کسی که خداوند، او را مسؤول امور مسلمانان کرده، اما به نیازها و فقر آنها بی‌توجهی می‌کند، خداوند نیز به نیازها و فقر او بی‌توجهی خواهد کرد. (سنن ابی داوود، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۲)

۲- مفاهیم حق و شهروند

حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی‌اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع شدن.

۱-۲ تعریف حق

معنای حق در اصطلاح حقوقدانان؛ حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص، که حقوق هرکشور در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می‌کند، به او توان تصرف در موضوع و حق منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد. (براتعلی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱) در تعریفی دیگر حق امتیازی است که قانون هر کشوری آن را تضمین می‌کند. بنا براین حق، اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام دهد یا ترک نماید، چنانکه گفته می‌شود: حق مالکیت، حق تصرف حقوق، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات فردی و اجتماعی است که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری، تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد. (احمدزاده، ۱۳۸۹، ص ۹۹)

۲-۲ مفهوم شهروند

واژه شهروند، ترجمه لغت citizen است که از واژه لاتینی (civitas) مشتق شده است. شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست؛ بلکه واحدی سیاسی و مستقل است. شهروند، کسی است که به آن تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی دارد. درجای دیگر حقوق شهروندان را این چنین تعریف می‌کند حقوقی که فقط به سکنه یک شهر از کشوری داده شود (در برابر حقوق مردم کشور به کار رفته است) مثال: در تاریخ حقوق رم انتخابات مخصوص شهر رم بود و سایر اهالی کشور از آن محروم بودند و بعداً این حق شهروندی مردم رم به سایر بلاد ایتالیا داده شد هرچند که عملاً نمی‌توانستند در انتخابات عمومی شرکت کنند. (گولد، جولیس. ویلیام ل- کولب، ۱۳۸۶، ص ۷۲۹)

ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال نمودن شهروندان در حق تعیین سرنوشت از سوی افراد است که به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حق‌های اخلاقی و بالمال حقوقی در حوزه حقوق مدنی، سیاسی می‌باشد و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از مصادیق بارز حق تعیین سرنوشت محسوب می‌گردد. این حق ریشه در اصل اخلاقی غایت بودن انسان و منع استفاده ابزاری از انسان دارد. از آنجا که انسان‌ها در انسان بودن باهم برابرند اخلاقاً قابل قبول نخواهد بود که انسان‌هایی به خود اجازه دهند بدون رضایت و انتخاب دیگران بر آنها حکم برانند و آزادی آنها را محدود کنند. به عبارت دیگر اساساً نمی‌توان از یک سو از انسان مسئول اخلاقی و هم‌چنین نظام اجتماعی عادلانه سخن گفت و در عین حال آزادی انتخاب افراد را انکار کرد.

۳-۲ حقوق شهروندی در قانون اساسی

حقوق شهروندی به ویژه در ارتباط دولت مردان با آحاد جامعه مدنظر است که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد که در قانون اساسی ما زیر عنوان حقوق ملت در فصل دوم از اصل نوزدهم تا اصل چهل دوم قانون اساسی معین و مقرر شده است. اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و در اصول دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، دین و مذهب رسمی ایران و حقوق اقلیت‌های دینی، و غیر مسلمانان را تبیین و رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی را از طرف جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان مورد تاکید قرار داده است. از جمع قوانین و مقررات یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که اتباع ایرانی اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان به طور برابر و یکسان در حدود مقرر در قوانین از حقوق شهروندی برخوردارند. در عین حال همان‌طور که فرد در برابر اجتماع و حکومت از حقوقی بهره‌مند است در مقابل تکالیفی نیز برعهده دارد که نیز باید انجام دهد این عمل یک عمل یک طرفه نیست و چون فرد از مزایای اجتماع بهره‌مند می‌شود لازم است در مقابل، دین خود را برای جامعه ادا نماید و در ایجاد یک جامعه سالم و مرفه و خوشبخت خود را سهم بداند. بدین ترتیب ارتباطی بین شهروند و دولت به وجود می‌آید که در نتیجه برای هر دو طرف حق و تکلیفی ایجاد می‌شود و به عنوان مثال شهروند از امتیازات سیاسی، اجتماعی و ... برخوردار می‌شود و دولت مکلف است آن را محترم بشمارد و در مقابل شهروند به پرداخت مالیات و رعایت نظامات دولتی، و انجام وظیفه عمومی و غیر... مکلف می‌شود.

۲-۴ ابعاد رفاه شهروندی

۱- حقوقی: شامل قوانین حمایت از گروه‌های آسیب دیده و آسیب پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان، قوانین کیفری جزائی در مورد بزهکاری، جوانان و آسیب های اجتماعی.

۲- زیستی: شامل سلامت جسمی در مقابل معلولیت و بیماری و سلامت روانی و ترکیب جمعیت، هرم سنی، امید به زندگی، تغذیه.

۳- بعد اجتماعی: شامل مسائلی چون امنیت غذایی، مهارت اجتماعی، فراغت، اشتغال، خانواده، آسیب اجتماعی، جمعیت، گروه های در معرض خطر از جمله زنان و کودکان و مشارکت اجتماعی.

۴- بعد اقتصادی شامل بررسی فقر، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه ای، اقتصاد خیریه ای و غیر انتفاعی، عدالت اجتماعی، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر (مسعود اصل، ۱۳۹۳، ص ۷۸)

۲-۵ حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین مکتب الهی اهمیت ویژه ای برای انسان قائل شده است. به گونه ای که در قرآن خداوند انسان را نه تنها عنوان یک مخلوق همانند سایر مخلوقات، بلکه به عنوان خلیفه و جانشین خودتعیین و معرفی نموده است. بنابراین انسان از منظر قرآن نه تنها دارای حقوقی است، بلکه امتیازات وی، امتیازاتی است که او را تا مرز خلیفه الهی پیش برده است. از آنجا که انسان موجود عقلانی است، عقل حکم می‌کند که اشرف مخلوقات دارای حقوق فردی و عمومی باشد و حقوق شهروندی همان رفتار مدنی، ادب و ملاحظه و نوع دوستی و وظیفه شناسی است. از منظر اسلام حق کرامت انسانی پایه اصلی حقوق شهروندی است. همچنین اسلام حق آزادی، حق حیات، برابری، عدالت، آزادی عقیده و نفی اکراه در دین را از جمله حقوق شهروندان می‌داند. (خزایی، مرادخانی، همان، صص ۸۰-۷۸)

۳- مسئولیت و مبانی آن

۳-۱ مفهوم مسئولیت (ضمان):

از دلایل مشروعیت ضمان آیه ۷۲ مبارکه سوره یوسف است که می‌فرماید: قالوا نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم. ضمان در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. مسئولیت در لغت اسم مفعول ثلاثی

مجرد از ریشه سال است و به معنی چیزی خواهش شده یا فریضه ای که بر ذمه کسی که اگر انجام ندهد از او بازخواست می شود آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳).

حقوق دانان اسلامی در شناخت مفهوم ضمان راههای واحدی را نیموده اند. با وجود این، همگی متفقاً ضمان را به عنوان یکی از توابع و وثایق دین شمرده اند. برخی از ایشان واژه ضمان را از ریشه «ضم» دانسته اند (سرخسی، ۱۴۱۴ه، ص ۱۶۰) و «ن» را زاید در نظر گرفته اند و برخی آن را از ریشه «ضمن» دانسته (نجفی، ۱۲۶۶ ق، ص ۱۱۳، طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۵۹) و «ن» را جز اصلی کلمه دانسته اند؛ چون «ن» نه تنها در مصدر، بلکه در مشتقات هم نقش اصلی دارد.

شیخ انصاری ضمان را اینگونه معنا کرده است: «الضمان کون الشيء فی عهده الضامن و خسارته علیه»: ضمان امری است که بر عهد ضامن بوده و خسارت آن نیز باید توسط او جبران شود. (انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ص ۴۸۸)

بنابراین معنای حقوقی مسئولیت نیز با معنای اصطلاحی ضمان در فقه مطابقت دارد و مجموعاً می توان از دو معنای لغوی و اصطلاحی آن، معنای تعهد و تکلیف را استخراج کرد. در قرآن کریم نیز واژه مسئولیت به معنای بازخواست و پرسش و استفسار به کار رفته است. (سوره اسراء، آیه ۳۶)

بنابراین مفهوم ضمان به عنوان اصطلاح متعارف در قلمرو فقه و حقوق خصوصاً در ابواب معاملات، حقیقتی واحد به معنی تعهد، مسئولیت و التزام است.

۳-۲ انواع ضمان

فقههای معاصر، در کتاب خود، موجبات ضمان را به دو دسته تقسیم کرده اند که یکی از آنها موجبات ضمان قهری است که در آن، ضمان ناشی از قاعده لاضرر، قاعده ید، اتلاف، تسبیب، اقدام، غرور و ضمان حیلوله را قرار داده و بررسی کرده اند. ضمان عقدی: این ضمان عبارت است از انتقال ذمه مضمون عنه (مدیون) به ذمه ضامن و از آن جهت ضمان عقدی گویند که انعقاد آن نیاز به ایجاب و قبول دارد؛ ایجاب از سوی ضامن و قبول از جانب مضمون له. مضمون عنه نسبت به این عقد بیگانه است و حتی رضای او شرط نیست. (قانون مدنی، مواد ۴۸۲ و ۴۸۵)

ضمان قهری: در ضمان قهری خلاف ضمان عقدی، قصد متعهد در ایجاد ضمان مؤثر نیست و مبنای ضمان حکم قانون است. به عبارت دیگر، در ضمان قهری تعهد به پرداخت مال اختیاری نیست؛ چه مبنای ضمان قرارداد باشد و چه واقعه حقوقی. در ضمان قهری برخلاف ضمان عقدی، قصد متعهد در ایجاد ضمان مؤثر نیست و مبنای ضمان، حکم قانون است که عنوان الزامات را دارد. به عبارت دیگر، در ضمان قهری تعهد به پرداخت مال اختیاری نیست؛ چه مبنای ضمان قرارداد باشد و چه واقعه حقوقی. (مسعودی، ۱۴۰۰، ص ۵۲۰)

در اصطلاح، واژه مسئولیت دارای دایره شمول گسترده ای است و هر نوع تعهدی اعم از تعهد اخلاقی یا قانونی یا قراردادی شخص است در برابر غیر را شامل می شود. لیکن در عالم حقوق و در میان حقوقدانان مسئولیت اینگونه تعریف شده است: «مسئولیت تعهد قانونی شخص است به رفع ضرر دیگری که به او وارد آورده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود شخص باشد یا از فعالیت او ناشی شده باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۲)

قانون مدنی نیز موجبات ضمان قهری را چهار مورد مقرر داشته که شامل: غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء می باشد.

۴- مفهوم مسئولیت مدنی:

اگر پیش فرض این باشد که هر ضرری باید جبران شود دولت نیز تابع این قاعده خواهد بود. از طرفی حاکمیت با قدرت عمومی دولت، قدرتی است حقوقی یعنی نه بر پایه زور بلکه در چارچوب نظم حقوقی، درست است که دولت واضع حقوق است ولی پایان حقوق نیست بلکه پیرو حقوق است. در یک دولت قانون مدار که در آن مقامات عمومی پیرو اصل حاکمیت قانون و سلسله

مراتب میان قواعد و هنجارهای حقوقی هستند جبران خسارات وارد شده توسط اداره به افراد امری بدیهی و پذیرفتنی است. امروزه دعاوی ناشی از مسئولیت، بزرگ‌ترین قسمت دعاوی مدنی را تشکیل می‌دهد. «توسعه روزافزون مسئولیت مدنی در وهله اول مرهون کثرت خسارت‌هایی است که بر اثر ترقی جامعه صنعتی و ماشینی پیش می‌آید و در وهله دوم بستگی به رفتار زیان‌دیده دارد.» در قانون بسیاری از کشورها «مسئولیت مدنی» به گونه‌ای است که شامل همه موارد مسئولیت نمی‌شود. به طور مثال: در قانون فرانسه ۱۵ ماده وجود داشت و محاکم فرانسه ناگزیر بودند که دعاوی بی‌شماری از مسئولیت را که از یک قرن گذشته تاکنون مطرح شده است؛ با این ۱۵ ماده حل و فصل کنند. رویه قضایی و عقاید علمای حقوق به طور تقریبی فرضیه مسئولیت مدنی را در کنار قانون و حتی در پاره‌ای موارد مغایر با قانون تکمیل کرده‌اند و هنوز هم این عقاید در حال تکمیل است. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

مسئولیت مدنی از منظر قضایی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد، فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. (انصاری، طاهری، ۱۳۸۴، ص ۵۷)

این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که "هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی اضرائی به غیر که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند" این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من تلف مال الغير فهو لهو ضامن» ذکر شده است.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقصر را طبق موازین اسلامی ضامن و مسئول می‌داند. اصل فوق با الهام از منابع فقهی صراحتاً چگونگی ضمان و مسئولیت قاضی را مشخص کرده است. برابر اصل مذکور و ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است در غیر این صورت خسارت به وسیله ی دولت جبران می‌شود و در هر دو حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد. مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق مدنی نقش حساس و مهمی را در مطالبه و استیفای حقوق افراد و در نتیجه تنظیم روابط اجتماعی و حقوقی بازی می‌کند، بدون تصور وجود مسئولیت مدنی حق مفهوم واقعی و عینی خود را از دست داده و جنبه فکری و ذهنی به خود می‌گیرد در ضمن چیزی که به واقع حق را از حالت بالقوه به صورت بالفعل درآورده و آن را به طور ملموس در اختیار صاحبان حق قرار می‌دهد قواعد و مقررات موجود در نظام حقوقی کشورها و از جمله کشور ما می‌باشد که در قوانین مختلف گنجانده شده است.

در حقوق ایران، وفق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای مورد پذیرش، تقصیر است. قانون مدنی ایران در ماده ۵۹۰ تقصیر را شامل تعدی و تفریط می‌داند. تفریط ترک عملی است که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است و تعدی عبارت است از تجاوز کردن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری است. (امامی، ۱۳۸۶، ص ۳۳)

۴-۱ نظریه های مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی دولت عبارت است از: مسئولیت ناشی از اعمال دولت، اعم از این که مسئولیت مبتنی بر تقصیر بوده یا نبوده، خواه در اثر نواقص سیستم اداری و با خطای عوامل انسانی باشد. بدیهی است، تقصیر شخصی مستخدم دولتی، خارج از شمول این تعریف بوده و مستثنی است و بر این اساس، باید ساختار قوانین حقوقی کشور به صورت شفاف مسئولیت مدنی دولت را پذیرفته تا شهروندان بتوانند با تکیه بر چنین قوانین، حقوق شهروندی خویش را استیفا کنند، زیرا با رشد فزاینده تکنولوژی و عوارض ناشی از آن، بحران‌های ناخواسته از خدمات انحصاری دولت به شهروندان وارد می‌شود که باید با راهکارهای قانونی شفاف، جبران شده تا جامعه از نتایج زیانبار اجتماعی و اقتصادی آن، در امان بماند. (زرگوش، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

۴-۱-۱ نظریه تقصیر

که یک نظریه قدیمی است. به موجب این نظریه «جبران خسارت مبتنی بر وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر است.» (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

لذا فرد هنگامی مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد که مرتکب تقصیری باشد و به واسطه آن تقصیر خسارت حادث شود. «طرف داران نظریه تقصیر، ورود این نظریه را از باب تأثیر اخلاق در حقوق تحلیل می‌کنند ولی به تدریج با پیشرفت علم و صنعت و دگرگونی نیازهای حقوقی جامعه و گسترش مسایل مربوط به مسئولیت مدنی و به خصوص مسئولیت خارج از قرارداد، نارسایی نظریه تقصیر برای حل مسایل مسئولیت مدنی روز به روز روشن‌تر شد و مفهوم شخصی تقصیر به «تقصیر اجتماعی» تغییر یافت.» (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

۴-۱-۲ نظریه خطر (مسئولیت بدون تقصیر)

با توجه به ایرادها و نقایصی که بر نظریه تقصیر وارد کردند؛ برخی از حقوقدانان به نظریه خطر روی آوردند. که این نظریه که جزء نظریه مسئولیت‌های بدون تقصیر به حساب می‌آید. «پس از مدتی در اثر تحولات اقتصادی و اجتماعی، ناکارآمدی اصل تقصیر در جبران خسارت آشکار شد. سپس تئوری خطر در معنای نوین مطرح گردید. گفته شد هرکس سود کاری را می‌برد؛ باید خسارت آن را نیز جبران کند.» (پیلوار، ۱۳۸۳، ص ۸)

۴-۱-۳ نظریه مختلط

یکی از ارکان مسئولیت مدنی، وجود ارتکاب فعل زیانبار است و با همین فعل زیانبار است که فاعل آن متعهد به جبران خسارات است و به عنوان مسئول جبران خسارات تعیین خواهد شد؛ خواه این فعل مقصرانه باشد یا نه. این قاعده از یک مبنا عقلی برخوردار است و طبق قاعده، هر فاعلی مأخوذ به فعل خود است. مسئولیت مدنی، نیازمند فعل زیان بار است و بنابراین در تعیین شخص مسئول، قاعده این است که اصولاً شخصی به عنوان مسئول جبران خسارت تعیین می‌گردد که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده باشد. برخی از علمای حقوق برای تقصیر و ایجاد خطر سهمی قایل هستند. آن طور که گفته شد «بر اساس این نظریه‌ها هیچ یک از نظریه تقصیر و خطر به تنهایی نمی‌تواند مبنا مسئولیت قرار گیرد و در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی نیازهای اساسی جامعه باشد.» (قاسم زاده، همان، ص ۴۱)

۴-۱-۴ نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق نخستین بار بوسیله استارک در رساله‌ی وی به عنوان نظریه‌ی عمومی مسئولیت مدنی از جنبه‌ی کارکرد دوگانه تضمین و کیفر خصوصی مطرح گردید. هر کس در جامعه، حقوقی نسبت به زندگی و تمامیت جسمانی و اموال خود دارد و نسبت به داشتن امنیت مادی و معنوی این حقوق بایستی به وسیله‌ی دولت تضمین گردد. «لطمه به حق دلیل کافی برای وضع ضمانت اجرا است و چنین ضمانت اجرایی چیزی جز تعهد به جبران خسارت نیست.» (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸)

۵- مسئولیت دولت از دیدگاه اسلام

مسئولیت به عنوان یک نهاد عرفی در هر نظام حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای درک صحیح مسئولیت حقوقی و کیفری دولت در نظام حقوقی اسلام باید به احکام مندرج در کتاب و سنت و سایر منابع دینی مراجعه کرد. از دیدگاه اسلام، نظام حیات اجتماعی براساس «مسئولیت پذیری» است بلکه فلسفه آفرینش، پدید آوردن انسان‌های مسئول و زندگی آفرین می‌باشد. مسئولیت به معنای عام در برابر مصونیت، متوجه کسی است که در انجام وظایف خود تقصیر کرده است. در این معنا، اسلام دین تکلیف و مسئولیت است و هیچ کس به جز خداوند مصون از تکلیف نیست و گستره این نهاد تا آن جاست که همه اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، را در برمی‌گیرد.

۱-۵ پیشینه مسئولیت در فقه

در فقه اسلامی مانند نظام های حقوقی موضوعه، عنوان «مسئولیت» مطرح نیست، اما فقیهان مسلمان غالباً بحث های مربوط به مسئولیت، اعم از مدنی - کیفری، را در ابواب گوناگون فقه مانند دیات، ضمان، مسئولیت ناشی از جرم و شبه جرم و سایر موجبات ضمان مانند اتلاف و تسبیب، اجتماع مباشر و سبب را در مباحث قصاص و دیات تبیین کرده اند.

اسلام حدود دوازده قرن پیش از تدوین حقوق اروپایی، اصل شخصی بودن مسئولیت را در همه زمینه ها مطرح نمود و آن را ویژه انسان زنده و برخوردار از عقل و اختیار قرار داد. به همین دلیل، اطفال، مجانین، اجساد مردگان و حیوانات در فقه اسلامی مصون از تعقیب و مجازات اند. اسلام در زمانی این ایده را مطرح کرد که جمعی و نوعی بودن مسئولیت و اصل مسئولیت حیوانات و مردگان در جوامع آن روز اجرا می شد. (ولیدی، ۱۳۷۳، صص ۸۴-۹۰)

۲-۵ اشخاص حقوقی و لزوم مسئولیت آن در اسلام

از دیدگاه اسلام همان گونه که شخص حقیقی (انسان) براساس قابلیت و توانایی که از سوی خداوند در او به ودیعت نهاده شده و دارای حقوق و تکالیفی است و می تواند آن را اجرا کند، شخص حقوقی نیز، که به موجب قانون دارای شخصیت می شود، می تواند همانند شخص حقیقی دارای حقوق و تکالیف باشد. تعبیرات گوناگونی درباره شخصیت حقوقی ارائه شده است: شخصیت حقوقی، به معنای اهلیت برخورداری از حقوق و تابع تکالیف قانونی واقع شدن، انجام اعمال حقوقی، اقامه دعوا و تحت تعقیب قرار گرفتن است. (کلسن اچ. ۱۹۸۲، ص ۳۳۹)

شاید موجزترین و مفیدترین تعریف این باشد: «شخصیت حقوقی، پیوند دادن حقوق و تکالیف است به موضوع هایی جز انسان ها.» (ساکت، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱)

اشخاص حقوقی که به موجب قانون و با رعایت شرایط خاص به وجود می آیند، بر دو نوع اند: یکی، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که تابع قوانین و مقررات حقوق خصوصی بوده و آزادی اراده بر آن حاکم است، مانند شرکت های تجاری انتفاعی و مؤسسات غیرانتفاعی که عضویت در آن ها به اراده افراد است. دیگری، اشخاص حقوقی حقوق عمومی که دولت در ایجاد آن نقش دارد نه اراده آزاد افراد، و هدف آن تأمین نیازهای عمومی است و عضویت در آن اجباری تلقی می شود، «دولت» نمونه بارز این دسته است. (ساکت، پیشین، ص ۱۷۲؛ صفار، ۱۳۷۳، ص ۷۶ به بعد)

در اسلام، پذیرش اشخاص حقوقی بر مبنای موازین اسلامی نه تنها مانعی ندارد، بلکه مصادیق پذیرفته آن که مورد پذیرش حقوقدانان نیز می باشد، مورد تأیید قرار گرفته است، که عبارتند از: حرمین شریفین، بقاع متبرکه (زیارتگاه ها و امام زاده ها)، مساجد، بیمارستان ها، کاروان سراها و بنیادهایی که به منظور مصالح عامه هستند که اهم آن ها نهاد وقف، بیت المال و دولت است. (ساکت، پیشین، ص ۱۷۶-۱۸۷)

چنان که گفتیم، مبنای پذیرش شخص حقوقی در اسلام، مطابقت آن با اساس و موازین اسلامی است، قرآن کریم در سوره توبه آیات ۱۰۷ - ۱۱۰ به دو نمونه از اشخاص حقوقی غیرانتفاعی اشاره شده است؛ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) یکی را به دلیل تعارض با مصالح اسلام خراب می کند (مسجد ضرار) و دیگری را چون براساس تقوا و موازین اسلامی است، تأیید می نماید. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ص ۱۳۳ - ۱۴۴)

۱-۲-۵ لزوم مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی

یکی از اصول مسلم در علم حقوق و فقه اسلامی، لزوم جبران خسارت است، تقریباً این اصل که هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند، حالت عرفی و بدیهی دارد. به تعبیر دوما، حقوقدان معروف، هر تلف و زبانی که به وسیله عمل دیگری تحقق یابد، خواه منشأ آن بی احتیاطی، اهمال و یا عدم اطلاع در امری که دانستن آن لازم است و یا خطاهای مشابه (هرچند بسیار سبک) باشد،

باید به وسیله کسی که بی احتیاطی یا خطایی داشته، جبران شود؛ زیرا این عمل ظلمی است که اعمال شده، هرچند فاعل آن قصد اضرار نداشته باشد. (صفّار، پیشین، ص ۴۴۹)

بنابراین، جبران نکردن خسارت ظلم است و ظلم، به حکم عقل قبیح است. از آن جا که عقل یکی از منابع حقوقی در اسلام است، و اصل «کلّ ما حکم به العقل، حکم به الشرع» در مستقلات عقلیه حجت است، این دلیل عقلی عمومیت دارد و هرگونه اعمال زیانبار (حقوقی - کیفری) را از هر کسی (شخص حقیقی یا حقوقی) سرزند، دربر می گیرد. علاوه بر این، حکم عقل و مقتضای اصل عدالت نیز این است: همان گونه که اشخاص حقیقی در عرصه اجتماعی و اقتصادی، اگر ضرری وارد کنند، یا قانونی را نقض و مرتکب جرمی شوند، ضامن هستند و باید در قبال اعمال غیرقانونی شان پاسخ گو باشند، اشخاص حقوقی نیز باید چنین باشند. اگر هیچ دلیلی، به جز دلیل عقلی که مقتضای عدالت است، نبود، این حکم عقلی به تنهایی کافی است که بگوییم مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی در اسلام، امری مسلّم و قطعی است.

۲-۲-۵ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

حقوقدانان مسلمان با عنایت به مبانی نظری مسئولیت در اسلام، مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی را می پذیرند، اما در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اتفاق نظر ندارند. بعضی معتقدند که مسئولیت در اسلام قلمرو گسترده ای دارد، مسئولیت کیفری را نیز شامل است، اما در عمل، مسئولیت کیفری تبدیل به مسئولیت مدنی می گردد. (کمال الدین امام، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۵۵) طرفداران این نظریه چنین استدلال کرده اند: در عصر ما فعالیت های مکارانه بعضی از اشخاص حقوقی از قبیل شرکت ها و مؤسسات بزرگ تجاری، از دیدگاه دانش جرم شناسی برای جامعه وضع خطرناکی ایجاد می کند و این واقعیتی غیرقابل انکار است. از سوی دیگر، چون اشخاص حقوقی فاقد قصد مجرمانه هستند، لذا به منظور حفظ مصالح جمعی می توان اعمال مجرمانه مدیران این اشخاص حقوقی که به صورت غیرمستقیم، در نقش فاعل معنوی ارتکاب جرایم خطرناک را تسهیل می کنند، تحت عنوان «اراده جمعی» مورد توجه قرار داد و با اعمال مجازات های مختلط مالی مانند ضبط و مصادره اموال و اقدام تأمینی مانند حکم به انحلال موقت یا دایم، قلمرو فعالیت های مجرمانه آن ها را محدود کرد، این اقدام ضرری به اصل شخصی بودن جرم و مجازات ها هم نخواهد زد. (صانعی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۰، ولیدی، پیشین، ص ۲۷۰)

در مقابل، عده ای معتقدند، شناسایی رسمی اشخاص حقوقی در فقه اسلامی در قلمرو مسئولیت مدنی است و شامل مسئولیت کیفری نمی شود؛ با این استدلال که انتساب جرم به اشخاص حقوقی ممکن نیست؛ چون عناصر سه گانه جرم (مادی، معنوی و قانونی) در ارتباط با اشخاص حقوقی تحقق نمی یابد و نیز امور اشخاص حقوقی توسط اشخاص حقیقی انجام می شود و از بین آن ها معلوم نیست کدام یک را باید تحت تعقیب قرار داد. علاوه بر این، با توجه به اصل شخصی بودن جرم و مسئولیت کیفری، امکان تطبیق مسئولیت کیفری در خصوص اشخاص حقوقی وجود ندارد و مجازات همه اعضا خلاف عدالت است. از این رو، عده ای از حقوقدانان، فرض مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مردود می دانند. (کمال الدین امام، پیشین، ص ۲۹۵ و ساکت، همان، صص ۱۷۶-۱۸۷)

این نکته را نباید فراموش کرد که لزوم جبران خسارت، یک اصل عقلی و مقتضای عدالت و مورد تأیید اسلام است.

۳-۲-۵ مسئولیت دولت به عنوان شخص حقوقی در اسلام

دولت از اشخاص حقوقی است که اسلام آن را به عنوان یک ضرورت عقلانی و دینی برای تنظیم امور جامعه پذیرفته است. فقه اسلامی آن چنان با مسائل حکومتی و سیاسی آمیخته است که اجرای آن بدون تشکیل حکومت ممکن نیست. بخش سیاست مانند «جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضا و شهادت، حدود و دیات و قصاص» که ابواب مهمی از فقه را شامل می شود، همه از

مسائل مربوط به حکومت سخن می گوید و هم چنین مسائل مربوط به «انفال، خمس، زکات و اراضی خراجیه» که شالوده بیت المال اسلامی را می سازد، بیانگر ضرورت شناسایی حکومت به عنوان شخص حقوقی است. به تعبیر دیگر، فقیهان مسلمان احکامی را برای تصرف حاکم مقرر داشته اند که تفسیر آن ها تنها زمانی میسر است که برای دولت، یک شخصیت عمومی حکمی در نظر گرفته شود و رئیس دولت و نمایندگان او، که کارمندان بخش های مختلف دولتی اند، هر یک در حوزه کاری خود، اعم از بخش های خارجی، داخلی و مالی، این مسؤلیت را به عهده بگیرند. (حائری، ۱۳۷۹، ص ۲۳) پاره ای از این احکام عبارتند از:

الف) در حوزه روابط خارجی: پیمان هایی را که امام منعقد می کند برای مردم محترم و الزام آور است و قبل از انقضای مدت، مخالفت آن از سوی امام یا مردم جایز نیست، مگر آن که پس از اعلام و دادن مهلت از نظر شرعی آن پیمان دچار کاستی شود یا طرف مقابل پیمان را نقض کند. همین طور اگر امام مناطقی را با صلح فتح کرده باشد، باید به مقتضای صلح در آن منطقه عمل کند و امامی که پس از او می آید حق تغییر این صلح را ندارد و... مطابق این احکام، دولت از نظر سیاست خارجی به عنوان شخص حقوقی شناخته شده که امام و حاکم اسلامی نماینده آن است و به نام آن، براساس نظریه های جدید حقوق جهانی، پیمان می بندند.

ب) در حوزه روابط داخلی: قضات و کارگزاران (کارمندان) با مرگ حاکمی که آن ها را منصوب کرده است، عزل نمی شوند.

ج) در حوزه امور مالی: اگر قاضی در قضاوتش به گونه ای خطا کند که قابل جبران نباشد، ضمان بر عهده بیت المال است. مقتضای این احکام و نظایر آن ها این است که فقها دولت را به عنوان شخصیت حقوقی دارای اهلیت و ذمه مستقل از شخصیت افراد امت، اعتبار بخشیده اند. و دولت در نگاه آنان، دارای اموال خاص و مستقل از اموال امت است. هرچند اموال دولت، که همان بیت المال است، از سوی امت به این خزانه واریز می شود.

در قرآن کریم، سوره های مبارکه بقره آیات: ۱۷۹، ۲۴۶، ۲۵۱، آل عمران: ۲۶، النساء: ۵۴، المائده: ۲۰، انبیاء: ۷۹، حج: ۴۰ و ۴۱ به گونه ای ناظر بر ضرورت حکومت بوده و به وظایف و مسؤلیت های آن می پردازد که مجموع آن ها در واقع دریچه ای است به سوی سیطره وسیع حکومت در جوامع انسانی.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مردم به هر حال نیازمند حکومت هستند، نیکوکار باشد یا بدکار، تا مؤمنان در سایه حکومتش به فعالیت خویش مشغول باشند و کافران نیز بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی راحتی داشته باشند، توسط او اموال بیت المال گردآوری شود و مردم با یاری او با دشمنان مبارزه کنند جاده ها امن گردند، و حق ضعیفان از زورمندان گرفته شود، مردم نیکوکار در رفاه و امنیت از شرّ بدکاران زندگی کنند.» (جعفری تبریزی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۰). در این حدیث نه تنها بر اصل لزوم دولت به عنوان یک شخص حقوقی تصریح شده، بلکه ابعاد گوناگون مسؤلیت دولت مورد توجه قرار گرفته است. با این بیان که انجام این امور از وظایف دولت است و در قبال آن ها مسؤلیت دارد. در نهج البلاغه نیز بر اهمیت این امر تأکید شده است؛ تجلی بارز آن در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرماندار مصر که در خطبه های ۳، ۳۳، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۶۳، ۲۰۳ و نامه های ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۴۰، ۴۶، ۴۱، ۵۹، ۶۷، ۶۱ و ۵۳ مشهود است.

نتیجه گیری

در ایران، قانون اساسی و بسیاری از اسناد و قوانین دیگر حق سلامت و رفاه و آسایش را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته اند و آن را در نظام حقوقی خود شناسایی کرده اند. در این راستا دولت موظف است که یک برنامه جامع یا سیاست ملی برای تحقق آن در نظر بگیرد و در جهت ایجاد شرایط مناسب برای دسترسی همه افراد ملت به بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی تلاش کرده و با سیاست‌گذاری و برنامه ریزی مناسب به حمایت کیفری از این حقوق بپردازد و به نظر می‌رسد با توجه به تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این حق و به رسمیت شناختن آن به عنوان حقوقی بنیادین که قانون اساسی را از این حیث به عنوان یک قانون اساسی پیش رو در جایگاه ممتازی قرار داده است پرداختن به حق بر سلامت در سیاست‌های کلی نظام و برنامه ریزی و سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری‌های حمایتی به ویژه حمایت کیفری از آن در قوانین داخلی یکی از ضرورت‌های اساسی است که باید مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد.

در خصوص وظایف و مسئولیت‌های حکومت در قبال و زندگی روزمره مردم و تأمین نیازمندی‌های اساسی مانند رفاه، امنیت و آزادی، هیچ اختلاف نظری در میان عالمان علم سیاست و صاحبان اندیشه سیاسی وجود ندارد. اساساً فلسفه شکل‌گیری دولت در هر جامعه، پاسخ به چنین نیازهای اولیه می‌باشد. براساس همین نگاه در جمهوری اسلامی ایران، مسئولان و خصوصاً دولتمردان در قوه مجریه، همواره در تلاش برای رونق‌بخشی به سفره مردم، تأمین امنیت، فراهم کردن امکانات برای رفاه و آسایش و تأمین دیگر حقوق شهروندی هستند. اکنون کارآمدی و موفقیت هر دولت، هر رئیس‌جمهور، هر وزیر و یا هر مسئول دیگری در دولت، بر اساس همین ملاک پاسخگویی به نیازها و پیشبرد امور مورد سنجش قرار می‌گیرد.

احکام اسلام، آیات و روایات و قانون اساسی و قوانین پایین دستی همه به مسئولیت دولت و کارگزاران تصریح داشته و به مناسبت‌های مختلف بر جبران خسارت‌های وارده به مردم تأکید داشته اند. از جمله اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی بالاختصاص ماده ۱۱ آن مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۱۴ و ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و موارد متعدد دیگری عموماً به مسئولیت کارکنان دولتی در ورود خسارت به مردم تأکید داشته و اگر شخص مستخدم مسئولیتش احراز گردد می‌بایست شخصاً از عهده خسارت وارده برآید و چنانچه تقصیر منتسب به سازمان اداری به هر نحو و دلیل باشد دولت باید جبران خسارت نماید.

فهرست منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (بی تا) مقدمه تاریخ ابن خلدون، المكتبة التجارية الكبرى، قاهره. <https://ensani.ir/fa/article/30092>
- احمدزاده، مصطفی. (۱۳۸۹). حقوق شهروندی. مجله فقه و حقوق، شماره ۱۹، ص ۹۹
- امامی، حسن. (۱۳۸۶). حقوق مدنی. ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی. تهران: انتشارات محراب فکر، چاپ اول، .
- بادینی، حسن (۱۳۸۴) فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۷) شهروندی و سیاست نو فضیلت گرا، تهران، انتشارات تمدن ایرانی .
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸) مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- پیلوار، رحیم (۱۳۸۳) نقش تقصیر زیان دیده در دعوی مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۸ .
- جعفری لنگرودی (۱۳۸۴) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش،.
- حائری، سیدکاظم (۱۳۷۹) مالکیت شخصیت های حقوقی، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، سال ۶، شماره ۲۱،.
- حسینقلی حسینی نژاد (۱۳۸۰) مسئولیت مدنی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۰) الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خزایی، احمد و مرادخانی، احمد (۱۳۹۴) زمینه های حقوق شهروندی در قرآن، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۷، ص ۷۸-۸۰ .
- دهخدا. (۱۳۸۵). فرهنگ لغت. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرگوش، مشتاق. (۱۳۹۲). حقوق اداری مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن. تهران، انتشارات جنگل .
- ساکت، محمد حسین. (۱۳۸۶). شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، تهران، انتشارات جنگل.
- سرخسی، المبسوط، ج ۱۴، ۱۰، ۵۱.
- سنن ابی داوود (۱۴۲۰) ج ۲، دارالفکر، بیروت، <https://ensani.ir/fa/article/30092>
- سید رضی، نهج البلاغه، نامه حضرت امیر به مالک اشتر
- سید محمد کاظم یزدی طباطبایی (۱۴۰۹) العروه الوثقی، ج ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- صانعی، پرویز (۱۳۵۵) حقوق جزای عمومی، ج ۲، بی جا، انتشارات دانشگاه ملی سابق.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵) اقتصادنا، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- صفار، محمدجواد (۱۳۷۳) شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷) مسئولیت مدنی بدون قرار داد، تهران، نشر میزان.
- کافی، کلینی، ج ۳. <https://ensani.ir/fa/article/30092>
- کلسن اچ. (۱۹۸۲) "قانون ملل متحد"، لندن، استیونز.
- گولد، جولیس. ویلیام ل- کولب (۱۳۸۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی، انتشارات پیام.
- محمد کمال الدین امام (۱۴۱۱) المسؤولية الجنائية اساسها وطورها، بیروت، المؤسسة الجامعية، للدراسات و النشر والتوزيع، الطبعة الثانية، <https://ensani.ir/fa/article/67198>

مسعود اصل، ایروان (۱۳۹۳) نظام رفاه اجتماعی در جهان، تهران، مرکز پژوهش - های مجلس شورای اسلامی، چاپ سوم.
مسعودی، وحید، بررسی ماهیت و احکام ضمان عهده و ضمان قهری از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، دوره جدید، شماره ۲۲ زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۱۷-۵۲۸.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۳) تفسیر نمونه، ج ۸، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
نجفی، محمد حسن (۱۲۶۶ ق) جواهر الکلام، ج ۲۶، <https://ensani.ir/fa/article/67198>،
ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳) حقوق جزای عمومی، ج ۳، تهران، نشر داد .

Jurisprudential and legal foundations of the government's responsibility for the welfare of citizens
 ataollah pourhosein^۱ mohammad mazhari^۲ abolfazl ranjbari^۳

Abstract:

Social security and well-being of citizens and the responsibility of governments in fulfilling it has been one of the most important human needs and one of the main factors in maintaining and continuing life throughout human life. From the point of view of national development, social justice and economic growth, ensuring the well-being of citizens, the quantity and quality of food consumption patterns, and the health and hygiene of people in the society, is the main in the context of human-centered movement, and issues such as lack of welfare and malnutrition are effective deterrents. It is considered on the process of national development. The research method is descriptive and analytical which is collected through the library method. The purpose of the research is to examine the responsibility of the government towards the welfare of the citizens, the findings of the research indicate that according to the rules of Islam such as verses, hadiths and traditions and domestic laws such as the constitution and customary laws and documents such as the vision document on the issue of providing social welfare by the rulers and considers it one of the important duties of the government. If the government does not fulfill its duties towards the citizens and it leads to damage to them, it is required to compensate the damage or has a so-called civil liability. In order to establish civil liability, it is necessary to have three pillars of harm, the commission of a harmful act and the relationship between them .

Key words: responsibility , government , welfare of citizens , social security

¹ phd. student of public law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran pourhoseinata@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Law, Tabriz University, Tabriz, Iran (corresponding author) mazharipnu@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran a.ranjbari_1348@yahoo.com

